

از قصرها تا خانه‌های مردم

مرتضی فریزی کرمانی، مجسمه‌سازی است که در غرفه «کالو»، سردیس‌هایش را در معرض دید شهروندان قرار داده است. وجه تمایز او در ساخت سردیس‌هایش این است که سوژه‌های او به جای اینکه از چهره مشاهیر باشند از میان انسان‌های عادی جامعه و شهرش انتخاب شده‌اند. البته رشته تحصیلی او عمران است. او می‌گوید: «با یک اتفاق ساده به ساخت این سردیس‌ها علاقه‌مند شدم. داستان از این قرار است که یک‌بار وقتی داشتم برای ساخت ماکت یک سقف گنبدی، خشت‌های کوچک گلی آماده می‌کردم، متوجه شدم که در ساختن آن خشت‌ها زیاد موفق نیستم، در عوض وقتی فردای آن روز شروع کردم به ساخت سردیس یکی از همکلاسی‌هایم، نتیجه خیلی متفاوت بود. همین تشویق‌ها و تعریف‌های دیگران سبب شد که هم استعدادم را کشف کنم و هم برای ادامه این هنر انگیزه پیدا کنم. در ادامه آن قدر آزمون و خطا داشتم تا اینکه در ساخت سردیس تبحر پیدا کردم.»

او با تأکید بر اینکه ساخت چهره در مجسمه‌سازی، سخت‌ترین کار است، ادامه می‌دهد: «اغلب نقاشان وقتی در نقاشی به تبحر می‌رسند، تازه به سراغ مجسمه می‌روند؛ دشواری این امر سبب می‌شود که آثار اندکی از آن‌ها به جا بماند، اما استعداد من کمک بزرگی بود تا بخش زیادی از راه را طی کنم.» او به استقبال مردم از سردیس‌ها هم اشاره‌ای می‌کند و می‌گوید: «مجسمه‌سازی در قدیم، هنری سلطنتی محسوب می‌شده و اغلب در موزه یا قصرها بوده است، اما امروزه می‌توان سردیس‌های زیادی را در خانه‌های مردم دید و زیاد پیش می‌آید که فردی برای قدردانی، سردیس پدر خود را سفارش بدهد.»

چینی‌ها و ایتالیایی‌ها، نخستین مشتریان

سید محمد مهدی ذوالفقاری که آثار تجسمی‌اش در غرفه «آوخ» قرار گرفته، ۴۳ ساله است که در تولید آثار حجمی خود، فقط از عناصر طبیعی‌ای مانند سنگ، چوب، فلز و استخوان حیوانات استفاده می‌کند تا حجم‌هایی در سبک دادائیسم پدید بیاورد. او از باز خورد آثارش رضایت دارد و می‌گوید: «آثارم اغلب در ارتباط با اتفاق‌هایی است که در زندگی روزمره خودم افتاده است؛ یا خلاصه آن‌هاست یا الهام گرفته از داستان‌های تاریخ ایران یا یونان؛ برای مثال یکی از آثار که در این نمایشگاه بسیار مورد استقبال قرار گرفته، سنگی میان تهی است که دورش با استخوان‌های گوسفند و چوب طرح خورده است و «امپریال دونات جهان» نام دارد. کارشناس هنری این اثر را ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان قیمت‌گذاری کرده است. برای همه آثار شناسنامه‌ای صادر شده تا در فروش‌های احتمالی بعدی اصالت کار حفظ شود. چنین رویکردی هنرمندان را در فضای حرفه‌ای اقتصاد هنر قرار می‌دهد که نه تنها برای معاش آن‌ها خوب است بلکه در ارتقای کارشان نیز مؤثر است.» او ادامه می‌دهد: «پیش‌تر در یک کارخانه سنگ مرمر مشغول بودم که مشتری‌هایی از چین و ایتالیا داشت. این مشتری‌ها در واقع نخستین خریداران آثار من بودند. اوایل وقتی اثری را می‌دیدند و خوششان می‌آمد، آن را هدیه می‌کردم، اما کمی بعد کارها را قیمت‌گذاری کردم. جالب بود که اقتصاد هنر برای آن مشتریان خارجی کاملاً تعریف‌شده بود و همیشه مبلغی بیش‌تر از قیمت تعیین‌شده برای کارهای هنری‌ام، پرداخت می‌کردند؛ چرا که ارزش آن‌ها را می‌دانستند.»

آثار بزرگ هنرمندان کوچک

بهاره انتظاری، صاحب برند «این‌روشنا» است. او فعالیت هنری خود را از سال ۸۳ شروع کرده و تا سال ۹۱ دیوارهای شهر را به نقاشی‌هایش مزین کرده است. انتظاری در حال حاضر در حوزه تبدیل نقاشی‌های کودکان و خردسالان به تابلوهای مفهومی فعالیت می‌کند؛ فعالیتی که به گفته خودش «تاکنون سابقه نداشته است». او می‌گوید: «زمانی که شروع کردم، با خودم فکر کردم که اغلب ما نقاشی‌های کودکان مان یا دیکنه‌هایشان را نگه می‌داریم. به این ایده رسیدم که چه خوب است اگر بشود این یادگارهای کودکان را در قالب آثار ماندگار، مانند یک تابلو، نگه‌داری کنیم تا در عین برخورداری از ارزشی که برای ما دارد، در قالب یک تابلوی ماندگار و نفیس نیز، همیشه مقابل چشمان ما باشد. این شد که این قالب هنری شکل گرفت.»

انتظاری به حضورش در «شهریور هنری» اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «این نمایشگاه علاوه بر فراهم کردن امکان دیده شدن آثارمان، در تعامل با مردم نیز بسیار به ما کمک می‌کند. همین مردم که برای بازدید از غرفه‌ها می‌آیند، گاه آن قدر تفکر خلاقانه دارند و ایده‌پردازند که می‌توان از میان صحبت‌هایشان کلی ایده و فکر تازه استخراج کرد. مثلاً یکی از شهروندان وقتی دید من نقاشی کودکان را روی لباس و شال و ... ترسیم کرده‌ام، پیشنهاد نقاشی روی جامدادی را مطرح کرد که شخصاً به آن فکر نکرده بودم، یا یکی دیگر از شهروندان ایده ساخت خط و خطوط نقاشی بچه‌ها را با سازه‌های فلزی مطرح کرد که این ایده نیز خیلی عالی است.»

این نمایشگاه علاوه بر فراهم کردن امکان دیده شدن آثارمان، در تعامل با مردم نیز بسیار به ما کمک می‌کند. همین مردم که برای بازدید از غرفه‌ها می‌آیند، گاه آن قدر تفکر خلاقانه دارند و ایده‌پردازند که می‌توان از میان صحبت‌هایشان کلی ایده و فکر تازه استخراج کرد.

